

شیوه های تربیتی پیامبر اکرم(ص) در تربیت نسل منتظر

فاطمه بابایی^۱

چکیده

تربیت نیرو و آماده سازی یاران برای ایفای نقش های مهم اجتماعی و دینی، همواره یکی از دغدغه های رهبران الهی بوده است. پیامبر(ص) پس از مبعوث شدن به پیامبری، نیروسازی و دعوت به توحید را نخست از خانواده خویش یعنی خدیجه(س) و علی بن ابیطالب آغاز کرد. در عصر غیبت امام معصوم مسئولیت هدایت تربیت برعهده علمای دین است. این مقاله با این موضوع پرداخته که چگونه علما میتوانند با استفاده از شیوه های تربیتی پیامبر اکرم(ص) در عصر غیبت به تربیت نسل منتظر بپردازند؟ با بررسی در منابع اسلامی این نتیجه حاصل شد که پیامبر اکرم «صلی الله علیه» نمونه کامل برای تعلیم و تربیت مردم می باشد که شیوه تبلیغی ایشان از شاخصه های زیادی برخوردار بود. یکی از این شیوه های تربیتی در سیره پیامبر تربیت نیروهای شایسته از خواص و استفاده از آنها در تشکیل حکومت بوده است؛ چرا که ترویج دین اسلام نیاز به تشکیل حکومت داشته و یک حکومت مستحکم نیازمند نیروهای شایسته می باشد. حوزه های علمیه همواره باید تلاش کنند تا با آموزش فقه، عقاید و تفسیر قرآن، نیروهایی آگاه و بصیر تربیت کنند. همچنین با تأکید بر تهذیب نفس و سلوک عرفانی، شاگردان خود را برای یاری دین آماده کرده اند. در عصر حاضر، علمای دین با بهره گیری از رسانه ها و فضای مجازی، روش های نوینی را برای تعلیم و تربیت نیروها به کار می گیرند. هر دو نظام تربیتی بر اساس نیازهای زمان خود شکل گرفته اند. شیوه تربیتی پیامبر(ص) مبتنی بر شرایط عصر بعثت و مخاطبان اولیه اسلام بود، در حالی که علمای دین باید با بهره گیری از منابع پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، برنامه های تربیتی خود را در طول تاریخ توسعه بدهند.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، پیامبر اکرم(ص)، عصر غیبت، نسل منتظر، نیروسازی.

مقدمه

۱. طلبه سطح ۲ حوزه علمیه فاطمه الزهرا قائمشهر

قرآن کریم در آیات متعدد، تعلیم و تربیت را از اهداف مهم بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌شمارد.^۱ پیامبر اکرم «صلی الله علیه» نمونه کامل برای تعلیم و تربیت مردم می‌باشد که شیوه تبلیغی ایشان از شاخصه‌های زیادی برخوردار بود. یکی از این شیوه‌های تربیتی در سیره پیامبر تربیت نیروهای شایسته از خواص و استفاده از آنها در تشکیل حکومت بوده است. در نظام تربیتی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) توجه به فطرت انسانی، توحید، هدفمندی نظام هستی و انسان، محدودیت توانایی‌های انسان، اراده و اختیار و جاودانگی از مهم‌ترین مبناهاست. نیروسازی در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا به تقویت جبهه ایمان و مقابله با جبهه کفر کمک می‌کند. یادگیری روش‌های نیروسازی پیامبر (ص) برای عصر جدید از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا به ما کمک می‌کند تا آموزه‌های اسلامی را با شرایط و نیازهای روز تطبیق دهیم. علاوه بر سیره پیامبر روش‌های علما نیز بسیار راه و مسیر نیروسازی را روشن کند و کمتر به روش علما پرداخته شده است. هدف این مقاله این است، با بررسی شیوه‌های تربیتی پیامبر اکرم (ص) برای تربیت نیرو پی به این برد که در عصر حاضر که عصر غیبت امام معصوم است علمای دین چگونه می‌توانند با بهره‌گیری از آن روش‌های برای آماده‌سازی نیروهای مؤمن برای یاری امام عصر (عج) استفاده کنند. در وجه تمایز مقاله حاضر با مقالات و آثار پژوهشی که از قبل در این موضوع نوشته شده باید گفت خانم عصمت همتی در مقاله «بیان شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله در تبلیغ دین و نیروسازی و جذب حداکثری» به بررسی نیروسازی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نه با استدلال و برهان که بر اثر خلق کریمانه افراد پرداخت و همچنین مهدی موسوی در مقاله «بررسی مدرسه مهدوی و نیروسازی مهدوی» به بررسی زمینه سازی ظهور در جامعه پرداخت. مقاله حاضر این مسأله را نگاه بکارگیری آن شیوه‌ها در عصر غیبت انجام می‌شود.

شیوه تربیتی پیامبر اکرم (ص)

تمام تعلیمات و فعالیت‌های تربیتی پیامبر بر واقعیت‌های دینی و انسانی مبتنی بوده است؛ چرا که آن حضرت فطرت انسانی را پرورش می‌داد، مردم را به توحید دعوت می‌کرد، انسان را با اهداف آفرینش و هدف خلقت خودش آشنا می‌ساخت، با هر فرد به اندازه قدرت درک و فهمش سخن می‌گفت و راه رسیدن به سعادت ابدی را برایش روشن می‌نمود تا با اراده و اختیار خود، آن راه را برگزیند. بنابراین لازم است این روش‌ها در دو قالب نظری و عملی بررسی شود.

^۱ آل عمران: ۱۶۴

۱- شاخص نظری

منظور از شاخص های نظری در نظام تربیتی پیامبر اکرم(ص) آن ویژگی های نسبتاً ثابت و کلی است که بر اساس مبانی آن حضرت، در فرایند تربیت استنباط می گردد. و معیار فعالیت های تربیتی قرار می گیرد. به عبارتی دیگر، باید ها و نبایدهای کلی در باب تربیت انسان هستند که از قرآن کریم و سنت ایشان بدست می آیند.

۱-۱- هماهنگی تربیت با فطرت انسانی

از شاخص های مهم نظام تربیتی پیامبر اعظم(صلی الله علیه وآله) این است که مبتنی بر فطرت انسانی است و پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) مانند دیگر انبیا، برای شکوفاسازی فطرت ذاتی بشر آمده و می خواهد سرشت اولیه آدمی را، که مقتضی کمال و سعادت واقعی اوست، احیا کند و به ثمر برساند. منظور از «فطرت الله»، که یک اصطلاح قرآنی است، همین معناست که خداوند مردم را طوری آفریده که طبعاً خدا را بشناسند. به عبارت دیگر، «فطرت انسانی» یعنی: قدرت ذاتی فرد بر شناخت و ایمانی که با آب و گل خمیره وجود آدمی سرشته شده و نیازی به آموختن و یادگیری ندارد.^۱ از منظر پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) همه انسان ها با فطرت الهی به دنیا می آیند و اگر فطرت اولیه شان دست خوش دگرگونی و آلودگی نگردد، در شناخت راه و هدف، که همان «سیر الی الله» و بازگشت به سوی حق تعالی است، به تنهایی کافی است؛ چنان که آن حضرت می فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يَنْصَرَانِهِ وَ يَمَجَّسَانَهُ»؛ هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می آید، ولی پدر و مادر اویند که وی را به کیش یهودیت، نصرانیت و مجوسیت می کشانند.^۲ تعلیم و تربیت نادرست فطرت انسانی را مکدر می سازد و جلوی رشد و ترقی آن را گرفته، مترتی را به مسیری سوق می دهد که خود در برابر او قرار داده است.^۳

۱-۲- توحیدمحوری

دومین شاخصی که از مبانی تربیتی پیامبر اعظم(صلی الله علیه وآله) به روشنی قابل دست یابی است، شاخص توحیدمحوری و یگانه پرستی نظام تربیتی آن حضرت است؛ توحید همواره اساس دعوت پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله) بوده است. اگر به دعوت ها و تعلیمات ایشان نگاه کنیم، به این نکته خواهیم رسید که آن بزرگوار همواره

^۱ سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۷، ص ۲۶۷

^۲ محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶

^۳ سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲۰، ص ۱۹۸

مردم را به یگانه پرستی می خوانده و در قول و عمل، بر آن تأکید داشته است. خداوند در این زمینه می فرماید: «وَالْهَيْكَلُ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛ معبود شما معبود یگانه ای است که جز او معبودی نیست؛ معبودی مهربان و بخشنده»^۱.

توحید نه تنها از شاخص های نظام تربیتی رسول خدا(صلی الله علیه وآله) است، بلکه از آغاز خلقت تاکنون، محور فعالیت های انبیا بوده. بر اساس آیات قرآن کریم، توحید از مبانی مهم تعلیماتی پیامبران بوده و تمامی آن بزرگوران در طول تاریخ، بر محور آن، مردم را به کارهایی همانند توجه و عبادت خدای سبحان دعوت می کرده اند که با وحدانیت حق تعالی سازگاری دارند. قرآن از این برنامه عمومی انبیا خبر می دهد: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ؛ ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر اینکه به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست. پس تنها مرا پرستش کنید»^۲. آیه کریمه بیانگر آن است که تمامی پیامبران از آدم تا خاتم مأموریت داشتند تا هر کدام به نوبه خود، کلمه توحید را ترویج و مردم را به یکتاپرستی دعوت نموده، جامعه را بر اساس توحید پرورش دهند.

همان گونه که از آیات قرآن برمی آید، «توحید» یعنی: عقیده به آفریدگار واحد برای جهان هستی به عنوان یک باور حقیقی و راستین که از ابتدای پیدایش بشر در کره زمین وجود داشته و به وسیله پیامبران تقویت شده است. این باور از دیرزمان در برابر اندیشه شرک و چندگانه پرستی قرار داشته که برای جهان، خدایان متعددی معتقد بودند. هیچ پیامبری نبوده است که مردم را به شرک و بت پرستی دعوت کند. اندیشه توحید با ندای فطری انسان کاملاً سازگاری دارد و خداوند مردم را به دینی می خواند که با آفرینش و سرشت آنان مطابقت کامل دارد^۳. از اینجاست که دین حق در طول تاریخ یکی بوده؛ یعنی اسلام: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ، قطعاً دین نزد خدا اسلام است^۴.

همه انبیا امت هایشان را به اسلام دعوت می کردند. به فرموده علامه طباطبائی، خداوند بندگان خود را امر نمی کند، مگر به پیروی از همان دین و بر انبیای خود، هیچ کتابی نفرستاده، مگر درباره همان دین و هیچ آیت و معجزه ای بپا نکرده، مگر برای همان دین که عبارت است از: اسلام؛ یعنی تسلیم حق شدن و به عقیده های حق

^۱ بقره: ۱۶۳

^۲ انبیاء: ۲۵

^۳ سید محمدحسین طباطبائی، خلاصه تعالیم اسلام، ص ۱۹۵

^۴ آل عمران: ۱۹

پایبند بودن و اعمال درست انجام دادن^۱ بنابراین، جوهره اصلی همه شرایع، که همان تسلیم بودن در برابر حق باشد، یکی است و اختلاف ادیان به کمال و نقص است، نه حقیقت و ماهیت^۲.

خداوند خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می فرماید: *مِلَّةُ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ*، از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید. خداوند شما را در کتاب های پیشین و در این کتاب (قرآن) مسلمان نامید^۳. پیامبر خدا بر این اساس، تعلیم و تربیت خود را بنا نهاد که خدا یکی است و شریکی ندارد. از این رو، توحیدمحوری از معیارهای لازم الرعایه در تعلیم و تربیت اسلامی است و همه برنامه ریزی ها و فعالیت های تربیتی در اسلام باید بر اساس توحید صورت گیرد. نتیجه چنین نظام تربیتی، بندگان مؤمن و خالصی است که جز به اسلام و قرآن به چیزی نمی اندیشند^۴. چنان که بسیاری از یاران پیامبر این ویژگی را داشتند و تا آخرین لحظات زندگی، مدافع اسلام و پیامبر بودند.

سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز این مطلب را نشان می دهد که آن حضرت بر همین اساس، مردم را به توحید و خداپرستی دعوت می کرد و از آنان می خواست از شرک فاصله گرفته، به خدای یگانه ایمان آورند و تسلیم محض او باشند. آن حضرت در روزهای نخست دعوتشان می فرمودند: *«قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا»* بگویید: هیچ خدایی جز الله نیست تا رستگار شوید^۵. یعنی اندیشه های باطل شرک و بت پرستی را از اذهان خود بیرون بریزید و اندیشه توحید و یگانه پرستی را جایگزین سازید؛ چنان که خداوند به پیامبر خود دستور صریح داد مردم را از شرک و بت پرستی برحذر دارد: *قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا*، بگو: آیا جز خدا چیزی را می پرستید که مالک سود و زیان شما نیست؟^۶

۱-۳- عدالت مداری

عدالت در زندگی فردی و اجتماعی انسان کاربرد وسیعی دارد و تمامی ابعاد حیات وی را دربر می گیرد. حیات فردی، خانوادگی، سیاسی اجتماعی و محیط آموزشی و فرهنگی همه تحت تأثیر عدالت قرار گرفته و در سایه آن، هر فرد و نهادی به حق و حقوق خود می رسد. عدالت فردی در اصطلاح علمای اخلاق، یکی از قوای نفسانی

^۱سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۱۷۹

^۲سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۱۸۹

^۳حج: ۷۸

^۴سید محمدحسین طباطبائی، ج ۲، ص ۱۵۴

^۵محمدبن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۲

^۶مائده: ۷۶

سیره و رفتار پیامبر و برخورد آن حضرت با دیگران، حتی رفتارشان با دشمنان اسلام، مهر و محبت ایشان را نسبت به نوع بشر به روشنی نشان می دهد. بخصوص در باب تعلیم و تربیت، استفاده از روش محبت‌ورزی را به متعلمان و متربّیان توصیه می کند. درباره رفتار آموزگار با متعلمان می فرماید: «عَلِّمُوا وَ لَا تُعَنَّفُوا فَإِنَّ الْمَعْلَمَ خَيْرٌ مِنَ الْمُعَنَّفِ»؛ آموزش دهید و در امر آموزش سختگیر نباشید؛ زیرا معلم بهتر از انسان سختگیر است.^۱ همچنین درباره ملایمت و نرمی با شاگردان فرمود: «لَيِّنُوا لِمَنْ تَعْلَمُونَ وَ لِمَنْ تَتَعْلَمُونَ مِنْهُ» نسبت به کسی که به وی علم می آموزید و یا از او علم فرامی گیرید، نرم و ملایم باشید.^۲ بر این اساس، مهرورزی نسبت به فراگیران از روش های تعلیماتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) است و باید در اجرای فرایند تعلیم و تربیت در جوامع اسلامی مورد توجه دست اندرکاران و مجریان آموزش و پرورش قرار گیرد.

روش های علما در تربیت نیرو

موضوع تربیت نیرو در عصر غیبت از مباحث اساسی و چند بعدی در اندیشه دینی و به‌ویژه در مکتب شیعه به‌شمار می‌آید. این تربیت تنها شامل انتقال دانش و آموزه‌های دینی نیست، بلکه یک فرآیند جامع در جهت تقویت ایمان، ارتقای اخلاق فردی و اجتماعی، و ایجاد ساختارهای منظم در جامعه مؤمنان است که در غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) به عنوان مسئولیت بزرگ علمای دینی مطرح می‌شود.

۱- فطرت مستعد و الگودیر

الگوجویی فطری است و نوجوانان و جوانان از عمده گروه های جوامع از جمله جامعه اسلامی هستند که هر روز به دنبال الگویی جدید، جذاب و مد روز می باشند و اگر موفق به یافتن چنین الگویی هم نشوند، در دنیای خیال آن را ساخته و به تأسی از آن می پردازند جوانان هنگامی که با الگویی روبه رو می شوند و او را از جهت بینش و منش مصداقی عینی برای اهداف و آرزوهای خویش می یابند؛ به این نتیجه خواهند رسید که اهداف و آرزوهای آنان قابل تحقق است درچنین موقعیتی به دلیل تأثیرپذیری جوانان از محیط اجتماعی و بهره گیری از میل و عشق به کمال و بیزاری از نقص، تحت تأثیر الگو قرار می گیرند و در جهت همانندسازی رفتار خود با الگو تلاش می کنند. آیت الله مصباح یزدی با توجه به ویژگی های سه گانه فطرت خدادادی و ذاتی بودن در همه انسانها و ثابت و غیر قابل تبدیل بودن معتقد است. فطرت کاربردهای زیادی در زندگی سعادتمندانه آدمی دارد از جمله

^۱ شهید ثانی، منیة المرید، قم، خیام، ۱۴۰۲، ص ۸۳

^۲ علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۳۵۰

فطرت بمثابه به مبنای تعلیم و تربیت تعیین اهداف تربیتی و کشف اصول تربیتی از آن مسیر حرکت بسوی سعادت را ترسیم می نماید. منظور از تغییر فطرت به مثابه این است که همان ویژگیهای طبیعی شناختی و گرایشی که در انسانها به صورت واقعی و فطری وجود دارد، منشا و مبنای ادراکات امیال کششها، صفات و فعالیت های تربیتی است. بر این اساس، مربی باید تدبیری بیندیشد که تمام فعالیت های تربیتی وی با فطرت متربی و خواست های ذاتی او مطابقت کند. همه اولیا و مربیان این حقیقت را باید نصب العین خود قرار دهند که تعلیم و تربیت در اسلام یعنی: پاسخ گفتن به خواست های ذاتی و درونی انسان که در اصطلاح قرآن، از آن به «فطرت الله» تعبیر شده است. در این نظام تربیتی، شکوفاسازی استعدادها و پرورش توانایی های فطری و خدادادی متربی مدنظر است. از این رو، برنامه ریزی های تربیتی باید به گونه ای باشد که به رشد و شکوفایی فطرت انسانی بینجامد.^۱

۲- خودشناسی

یکی از اساسی ترین و زیربنایی ترین مسائل در رشد و تعالی مسئله شناخت خود است. امام علی علیه السلام میفرماید: *يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةِ الْخَبَرِ*؛ ای کمیل هیچ حرکت و فعالیتی نیست، مگر این که در آن نیازمند شناخت و آگاهی هستی.^۲ علاوه بر این، شناخت باعث مصونیت از فساد و تباهی در پیمودن مسیر سعادت است. جوانان باید بدانند که اکنون قسمت اعظم خوشبختی و بدبختی آنان در اختیار خودشان قرار گرفته است و می توانند با مراقبت های صحیح علمی و عملی، و تلاش مداوم در راه فراگرفتن سجایای اخلاقی و بکارگیری آنها در زندگی موجبات سعادت ابدی خود را فراهم آورند. خودشناسی لازمه کمال شناسی و کمال جویی است، تنها کسانی به مقام برتر انسانی دست می یابند که واقعیت های نفسانی خود را بشناسند، اولین و نزدیک ترین واقعیت زندگی واقعیت خود است که در درون آن بزرگترین واقعیت ها و حقایق تجلی می یابد و برای اهمیت شناخت خود همین بس که امام علی علیه السلام می فرماید: «أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ»؛ برترین شناخت ها، شناخت انسان نسبت به نفس خویش است.^۳

^۱ پرفسور هانری کربن، ظهور شیعه، تهران، فقیه، ص ۶۵

^۲ انوری، ۱۴۰۸، ج، ۱۷، ص ۲۶۸

^۳ تمیمی آمدی، ۱۴۰۸، ج، ۱، ص ۱۸۹

۳- کمال خواهی

کمال گرایی به معنای در نظر گرفتن برخی نقاط متعالی و حرکت به سوی آنهاست. امام صادق علیه السلام در مورد این ویژگی جوانان چنین می فرماید: عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ جوانان را دریاب، زیرا آنان شتاب بیشتری نسبت به هر امر نیکویی دارند (۳۲)^۱. کمال خواهی جوانان دو منشأ اصلی دارد که عبارتند از: قدرت طلبی و حقیقت جویی. در قرآن کریم آیات بسیاری به حقیقت جویی تصریح کرده اند از جمله آیات: وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؛ و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است، و در وجود خود شما نیز آیاتی است آیا نمی بینید؟!^۲ و در آیه: فَوَسَّوْا لِلشَّيْطَانِ قَالَ يَادُمْ هَلْ أَذْلَكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى، ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم! آیا می خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی زوال راهنمایی کنم؟^۳ به میل به قدرت طلبی در وجود آدم تصریح شده است؛ یعنی شیطان از میل قدرت طلبی در آدم که برخاسته از کمال طلبی او بود استفاده کرد و او را فریب داد.

۴- آزادی و استقلال طلبی و عدالت خواهی

استقلال طلبی و گرایش به داشتن آزادی در انجام کارها و فعالیت ها، یکی از خصایص انسان در دوره ی جوانی می باشد. با آغاز مرحله ی جوانی، انسان به طور تدریجی و آگاهانه به دنبال این است که بتواند از دوران کودکی که دوران وابستگی بود، جدا شده و قدم به مرحله ای بگذارد که آزادانه نظر دهد و دارای نقش متفاوتی نسبت به دوران کودکی و نوجوانی گردد. مولای متقیان در نامه ۳۱ نهج البلاغه، در وصیت به امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید: لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ بنده دیگری غیر خود مباش که خداوند، تو را آزاد آفریده است^۴. بنابراین، از نظر دینی هم، آزادی خواهی و استقلال طلبی یکی از ویژگی های فطری جوان است که خداوند در نهاد او به ودیعت نهاده است.

با بهره گیری از آموزه های دین مبین اسلام و مشارکت ملت و با رهبری حضرت امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی ایران بر دو ابر قدرت شرق و غرب، توانست در ۲۲ بهمن سال ۵۷ پیروز شود. گفتمان عدالت خواهی، آزادی خواهی و استقلال طلبی انقلاب اسلامی به سرعت جهان را تحت تاثیر قدرت خود قرار داد و با مجاهدت و شهادت طلبی

^۱ شیخ حر عاملی ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۸۷

^۲ الذاریات ۲۰-۲۱

^۳ طه: ۱۲۰

^۴ شریف الرضی ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۰۱

منبعث از معنویت و اخلاق جوانان این مرز و بوم، جبهه انقلاب اسلامی را به جهان اسلام و بعد تا جهان کفر گسترش داد.

نتیجه

نظام تربیتی پیامبر اکرم از این ویژگی برخوردار است که انسان را به خدا نزدیک و از مظاهر ظلم و فساد دور می سازد. انسانهای تربیت یافته در مکتب پیامبر به اندازه ای از علم و ایمان عمیق و اخلاص قوی برخوردار بودند که جز به خدا و زندگی پس از مرگ فکر نمی کردند. آنان بر بالاترین مراتب تقوا و قرب به خدا نایل گشتند و در راه نشر معارف الهی، از هیچ ایثار و فداکاری دریغ نکردند. در مسیر نیروسازی، از یک سو نیازمند تأکید بر «علم و عمل» هستیم؛ از سوی دیگر، افزون بر آموزش مفاهیم اعتقادی، باید به ارزش های اخلاقی و اجتماعی نیز توجه شود. علمای دینی و رهبران فرهنگی در راستا تربیت نیرو با تأکید بر آگاهی بخشی، آموزش فعالیت های مدون و ساختار بندی انجمن های دینی، به دنبال تربیت گروهی از نیروهایی هستند که بتوانند در مقابل تهدیدهای فکری و اجتماعی ایستادگی کرده و راهنمای جامعه شوند. بنا بر سخنرانی ها و مطالب مطرح شده توسط برخی از مراجع تقلید برجسته، تربیت نیرو در عصر غیبت همچنین مستلزم ایجاد سیستم های آموزشی نوین و شبکه های ارتباطی است تا جوانان و مؤمنین بتوانند در فضای تغییرات روز دنیا، اصول و ارزش های دینی خود را به شکلی عملی و هماهنگ پیاده کنند. این نیروهایی که موسوم به بسیجی ها یا جنبش های حمایتی هستند، باید از نظر فکری، اخلاقی و عملی تقویت شده و با اعتماد به نفس لازم جهت دفاع از دین و جامعه اقدام کنند. همچنین توجه به شیوه های نوین تربیتی، مانند استفاده از فناوری های اطلاعاتی، برگزاری دوره های آنلاین، همایش های مجازی و ایجاد شبکه های همفکر، می تواند به حرکت هوشمندانه و همگام با عصر غیبت کمک نماید. این امر از آن جهت اهمیت دارد که در دنیای امروز چالش های فرهنگی و اجتماعی بیش از پیش نیازمند مشارکت فعال و اندیشمندانه اند؛ بنابراین، علاوه بر برنامه های سنتی، به کارگیری روش های مدرن آموزشی زمینه لازم را برای تربیت یک نیروی مقاوم و پویای دینی فراهم می کند. در نهایت، به نظر می رسد تربیت نیرو در عصر غیبت چنان مسئولیتی است که باید با تعهد، خلاقیت و درک عمیق از ارزش های ائمه معصوم (علیهم السلام) دنبال شود تا جامعه ای توانمند و متحد در مسیر راهنمایی های الهی شکل بگیرد.

منابع:

- ۱- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان، قم: انتشارات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۳هـ.ش.
- ۲- _____، خلاصه تعالیم اسلام، تهران: بوستان کتاب، چاپ ۱۱، ۱۴۰۱هـ.ش.
- ۳- پرفسور هانری کربن، ظهور شیعه، تهران: فقیه، چاپ دوم، ۱۳۶۰هـ.ش.
- ۴- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: قائم آل محمد، چاپ دوم ۱۳۸۵هـ.ش.
- ۵- احمد بن حسین بیهقی، سنن بیهقی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۹هـ.ق.
- ۶- محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، بیروت: دار صادر للطباعة و النشر، ۱۹۵۷ م.
- ۷- نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، چ هشتم، قم: هجرت، ۱۳۸۱هـ.ش.
- ۸- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۸۰هـ.ش.
- ۹- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چ سوم، قم: دارالحدیث، ۱۴۱۶هـ.ش.
- ۱۰- آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: انتشارات نی، چاپ دوم، ۱۳۷۹هـ.ش.
- ۱۱- اسدی، علی محمد، حیات پس از مرگ، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱هـ.ش.
- ۱۲- مصباح، محمدتقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، نگارش احمدحسین شریفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴هـ.ش.
- ۱۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳هـ.ق.
- ۱۴- قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، قم: هاتف، ۱۳۸۱هـ.ش.
- ۱۵- شهید ثانی، منیه المرید، قم، خیام، ۱۴۰۲هـ.ق.
- ۱۶- شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۲هـ.ش.
- ۱۷- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.
- ۱۸- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ۱۹- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- ۲۰- شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه، للصبحی صالح؛ قم، هجرت ۱۴۱۴ق